JAMIA HAMDARD
CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
ACC No. 882
Date 19/9/2002

قتل بر پنج قسم است یکی عمد دویم شبه عمد سیوم خطا چهارم جاری مجری الخطا پنجم قتل بسبب اما قتل عمد آنست که قاتل قصد کشتن نماید بچیزیکه
اجزا را تفریق و جدا کند مانند سلاح و مانند چیز یکه بحدت داشته باشد خواه از قسم چوب باشد یا از قسم سنگ یا از قسم پوستنی یا از آتش
باشد و این شرط یعنی شرط حدت نزد امام اعظم است نزد صاحبین محل اشتراط این شرط نیست پس قصد کشتن از چیزیکه بآن قوت عادت حاصل
ان ندارد مثل سنگ کلان و چوب کلان نزد صاحبین عمد است این قسم قتل گناه کبیره است و قصاص درین قسم لازم می شود درین قسم قتل
کفاره نیست زیرا که در گناه کبیره کفاره مقرر نیست اما قتل شبه عمد آنست که قصد زدن نماید بدون سلاح و بدون چیزیکه حدت داشته باشد مثل
چوب خورد و سنگ خورد و نباید نزد او اما ضرب بمثل چوب کلان و سنگ کلان نیز از شبه عمد است درین قسم قتل هم گناه می شود و
کفاره لازم می آید و دیه مغلظه بر قوم قاتل واجب می شود و قصاص درین قسم واجب نمی شود و کفاره قتل این است هر که مقتدر و دارد یک برده مسلمان
صحیح الاعضا را آزاد کند اگر مقتدر آزاد کردن برده ندارد در روزه دو ماه پی در پی دارد و دو تیه مغلظه صدقه شتران است باین طریق که بیست و پنج ماده شتر
که یک ساله عمر داشته باشد و بیست و پنج ماده شتر که دو ساله العمر داشته باشد و بیست و پنج ماده شتر که سه ساله عمر داشته باشد و بیست و پنج ماده شتر
که چهار ساله عمر داشته باشد اما قتل خطا پس بر دو قسم است یکی آنکه خطا در قصد باشد مثلا تیر انداخت بسوی مسلمان بگمان آنکه شکار است یا کافر حربی
است دویم آنکه خطا در فعل باشد مثلا قصد کرده بود بر یک فعل را صادر شد از و فعل دیگر چنانچه قصد نشانه کرده بود بر صید یا غیر آن قسم اول را خطا فی القصد
گویند و قسم دویم را قصد فی الفعل درین هر دو قسم قتل خطا گناه قتل نمی شود لیکن گناه ترک احتیاط می شود و همین جهت درین قسم کفاره مقرر است
و دیت هم مقرر است بر قوم قاتل و اما قتل جاری مجری الخطا آن است که شخصی بر مکان بلند خواب میکند و از آنجا بگمان در حالت خواب بر کسی افتاد که
بسبب صدمه تلف شد درین قسم قتل هم کفاره و دیت است اما قتل بسبب آنست کسی را بچاهی در راه نهاد یا چاه در راه کند و او در غیر ملک خود
کسی انسان سنگ و چوب تلف شد یا در چاه افتاده مرد درین قسم قتل هم دیت است بر قوم او و مبلغ دیت ده هزار درهم است که مغلظان
ان بحساب این دیار دو هزار و پنصد دوسی روپیه چندانه می شود و کفاره درین قسم نیست و محروم از ارث در همه صورتها قتل است هذا
فی شرح الوقایه والله اعلم و در صورتیکه دیت بر عاقله لازم آید بر قاتل هم یکی از عاقلان دادن دیت لازم می
قاتل نباشند پس دیت در مال قاتل و یا در بیت المال لازم می آید یا باختلاف روایات بعضی از روایات مفهوم می شود که قاتل است
بعضی روایات مفهوم می شود که در بیت المال است چنانچه از ذیل مفهوم می شود مسئله محتاج را که احتیاج شرعی دارد و فرض
بدست او نیاید درین حالة قرض سودی گرفتن او را جائز است و احتیاج شرعی این است که برای
پارچه ندارد و محض عریان میباشد یا موسم سرما است بسبب سرما تکلیف می کشد یا خانه بی پرده شده است
این صورتها یا مثل این صورتها احتیاج شرعی اند و بعضی صورتها که در دویم انها ضرورت می شمارند لیکن در شرع ان ضرورت نیست برای او قرض
سودی گرفتن درست نیست مثلا شخصی را شادی فرزند یا دختر خود و برادر باشد برای سرانجام شادی مبلغهای سودی بگیرد درین صورت
شرعی نیست زیرا که نکاح بدون مبلغان می تواند شد و بجواز للحاج الا قراض بالربح گذاشته الاشباه و النظائر و الله اعلم مسئله در سرود و غنا همراه دف روایات در مذهب حنفی مختلف اند از بعضی حرمت معلوم می شود و از بعضی اباحت لیکن باعتبار قوت دلیل و
بمطابق احادیث صحیحه رجحان همین است که دف و غنا مجرد از امور آلات لهو و عیدین و ایام شادی دیگر او وفات سرور مثل تولد فرزند و
عقیقه و ختنه وغیره جائز و مباح است چنانچه در مشکوة شریف چند احادیث بروایات ابن عباس و ربیع بنت معوذ بن عفراء
و عبد الرحمن بن عمر و حضرت عائشه صدیقه رضی الله عنهم از حضرت صلی الله علیه وسلم موید این مذکور و اقرم اند یکدو حدیث بنا بر مونث نوشته می آید

Acc 802